



در نشست «شورای روابط خارجی» آمریکا تحلیل شد اخراج امریکایی‌ها از منطقه در دستور کار ایران

گزارش

اندیشکده امریکایی «شورای روابط خارجی» آمریکا در میزگردی با حضور شماری از تحلیلگران غربی از جمله «سوزان مالونی»، معاون ارشد و مدیر مطالعات سیاست خارجی در اندیشکده بروکینگز، «ولی نصر»، استاد دانشکده مطالعات خاورمیانه در دانشگاه جانز هاپکینز برای مطالعات پیشرفته بین‌المللی و نیز عضو شورای روابط خارجی و «روبین رایت»، تحلیلگر مؤسسه صلح ایالات متحده و در مرکز ویلسون، تحت عنوان «دستور کار ایران در خاورمیانه» به تحولات اخیر جنگ غزه و نقش آفرینی ایالات متحده و ایران در این بحران نظامی پرداخته است. در این نشست به استراتژی جمهوری اسلامی در جنگ اخیر، انگاره‌های خاورمیانه‌ای آمریکا پیش و پس از عملیات «طوفان الاقصی» و همچنین واکاوی فشارهایی که از سوی جبهه مقاومت بر پایگاه‌های نظامی آمریکا وارد شده، پرداخته شده است. به اعتقاد این تحلیلگران، تهران در روند تحولات جاری نوعی بازآرندگی را به اجرا گذاشته است و مستقیماً به واشنگتن پیام داده که تداوم سیاست بحران‌سازی در منطقه چه پیامدهایی برای این کشور خواهد داشت.

سوزان مالونی: ایران اراده آمریکا را به آزمون گذاشت

«مالونی» در پرداختن به نقش ایران در جنگ اخیر مدعی شده است که استراتژی ایران مبتنی بر حمایت از گروه‌های نیابتی با هدف آزمایش اراده ایالات متحده و جامعه بین‌المللی برای اعمال فشار به ایران مورد پیگیری قرار گرفته است. او با اشاره به اینکه حمایت از گروه‌های نیابتی ارسال یک نشانه از سوی ایران بوده که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۹۷۹ به طور آشکار رخ داده است، می‌گوید: «جمهوری اسلامی درصد است حضور همه‌جانبه ایالات متحده بویژه حضور نظامی آن را به طور کلی از خاورمیانه حذف کند. از این رو شرایط کنونی را که در نتیجه جنگ اخیر غزه شکل گرفته است، به عنوان یک فرصت می‌بیند. ایران اکنون دما را در حالی بالا برده که در طول دو سال گذشته به خصوص از زمانی که دولت «بایدن» سرگاز آمده، این دما را برای ارزیابی اینکه دقیقاً استخوان این دولت چقدر فولاد دارد، بالا و پایین کرده است. ایران وقتی با انتقال ناوهای هواپیمابر ایالات متحده به دریای مدیترانه و سپس خلیج فارس روبه‌رو شد، سعی کرد این پیام را به آمریکا دهد که امنیت نیروهای امریکایی هم در معرض خطر قرار دارد. ایران این امکان را دارد از طریق حمایت از نیروهای شبه‌نظامی وابسته به خود، پیامش را عملی کند. این حقیقت را خود ایالات متحده هم می‌داند از این رو آمریکا ارتباطات مستقیمی با ایران برقرار کرده تا ایرانی‌ها را تشویق کند که دما را کاهش دهند و بر این تأکید شود که اگر جانی از دست برود، پیامدهایی خواهد داشت.»

ولی نصر: طوفان الاقصی اسرائیل را تحقیر کرد

«ولی نصر»، دیگر میهمان حاضر در این نشست ضمن تأیید دیدگاه «مالونی» مبنی بر اینکه ایران جریان‌های مرتبط بیشتر از آنکه به دنبال ایجاد اقدام نظامی و کشتن نیروهای امریکایی باشند، درصدد ایجاد شرایطی برای خارج کردن آنها از منطقه هستند، به ذکر چند نکته پرداخت و افزود: «یکی اینکه نقش کلی ایران در این موضوع، بخشی از یک جنگ سایه طولانی‌تر با اسرائیل است. من باید بگویم که در واقع ایران بویژه پس از کشته شدن دانشمند هسته‌ای متعدد به مراکز پهبادی و هسته‌ای ایران انجام داده، شروع به افزایش فشار در چهارچوب راهبرد مبارزه با اسرائیل کرده است. این راهبرد همیشگی ایران بوده که باید اسرائیل را در مرزهای خودش مشغول نگه داشت چرا که اگر در مرزهای خودش مشغول نباشد، در مرزهای ایران مشغول خواهد بود. به همین دلیل بود که استراتژی ایران مبنی بر احیای مسأله فلسطین با هدف تغییر شرایطی اجرا شده که اسرائیل در منطقه نسبت به ایران

جمهوری اسلامی دستور است حضور همه جانبه ایالات متحده

بویژه حضور نظامی آن را به طور کلی حذف از خاورمیانه کند. از این رو شرایط کنونی را که در نتیجه جنگ اخیر غزه شکل گرفته است، به عنوان یک فرصت می‌بیند

به وجود آورده بود. این تحلیلگر در ادامه به روند اجرای عملیات غافلگیرانه حماس علیه اسرائیل اشاره کرده و می‌افزاید: «نحوه وقوع عملیه‌ای که حماس علیه اسرائیل انجام داد، ظرفیت‌های امنیتی و اطلاعاتی و نظامی این رژیم را زیر سؤال برد و این رژیم را تحقیر کرد اما در ادامه تل آویو به نخوی واکنش نشان داد که تهران و جبهه مقاومت آن را محاسبه نکرده بودند، از این رو ایران همچون دیگر کشورهای منطقه به سرعت تلاش خود را برای محاسبه ادامه روند جنگ و کنترل دامنه تنش‌های نظامی انجام داد.»

خطار مستقیم ایران به ایالات متحده

«ولی نصر» به دلایل حملات ادامه‌دار اشاره کرد و افزود: «یک دلیل این است که جبهه مقاومت به وضوح در حال واکاوی واکنش بلندمدت اسرائیل است. زمانی که وزیر امور خارجه ایران به لبنان رفت، او این کلمات را در دهان حسن نصرالله گذاشت که اسرائیل ابتدا می‌خواهد کار حماس را تمام کند، سپس حزب‌الله را و بعد اساساً به سمت ایران خواهد آمد و اینکه، شما باید راهبردی را دنبال کنید که سعی در پیشگیری از آن وضعیت داشته باشد. اینکه آیا ایران یا حزب‌الله از اینجا به بعد به تشدید روی می‌آورند یا نه، فکر می‌کنم بیشتر به این بستگی دارد که آیا بهتر می‌بینند که اسرائیل جنگ را با برنامه و زمانبندی خودش پیش ببرد یا به جای آن بهتر می‌بینند که با اعمال فشار بر اسرائیل و درگیر نگه داشتن آن، به شکلی از این مسأله جلوگیری کنند. بنابراین فکر می‌کنم این یک محاسبه بسیار بلندمدت است.

روبین رایت: ایرانی‌ها هوشمندانه عمل کردند

روبین رایت درباره ماهیت واکنش ایالات متحده به افزایش حملات علیه نیروهای امریکایی از هفتم اکتبر به بعد گفت: «چند نکته مهم در این رابطه مطرح است. یکی اینکه جنگ بین کشوری به اندازه نیوجرسی علیه قلمرویی به اندازه فیلادلفیا، یک جنگ کوتاه است. جنگ بلندمدت در نهایت رویارویی میان ایالات متحده و ایران است. تصمیم بزرگی که ایرانی‌ها باید بگیرند این

است که می‌خواهند تا کجا در مسیر بازآرندگی، اقدامات ابتدایی، اجبار به خروج ایالات متحده و بزرگی از مسائل از جمله برنامه هسته‌ای، سیاست خارجی و... پیش بروند. پاسخ ایالات متحده در کوتاه‌مدت مؤثر بوده و نشان می‌دهد ما آنچه را که لازم باشد با ابزارهایی که در اختیار داریم انجام می‌دهیم تا اطمینان حاصل شود اگر این جنگ گسترش یابد، می‌توانیم آن را محدود کنیم یا ضربه متقابل را وارد آوریم. مشکل جای دیگری است. من در سال ۱۹۸۲ در بیروت بودم، زمانی که سربازان امریکایی به‌عنوان حافظ صلح آمدند و نهایتاً مجبور به ترک لبنان شدند. آنها به مجموعه هدف‌های کاملاً تازه‌ای برای حمله تبدیل شدند. فکر می‌کنم ایرانیان بسیار باهوش بوده‌اند، همان‌طور که همیشه هستند. آنها ما را غافلگیر کردند و به جای مواجهه مستقیم با ایالات متحده یا درگیر شدن مستقیم در منطقه غزه یا درگیری سطح بالاتری در این جنگ، به سراغ امریکایی‌هایی رفته‌اند که در سوریه و عراق برای یک هدف کاملاً متفاوت، یعنی مهار داعش مستقر هستند. همچنین فکر می‌کنم هدف آنها نمی‌کنم که نیت آنها در حال حاضر پیوستن به جنگ باشد. اما خطری که وجود دارد این است که یک حمله اشتباه انجام شود و سپس کنترل اوضاع از دست می‌رود.»

پیش‌بینی آینده جنگ جاری



سوزان مالونی
مدیر مطالعات سیاست خارجی
در اندیشکده بروکینگز

کشورهای منطقه نیاز به روابط با ایران دارند

مالونی درباره این پرسش که چقدر احتمال دارد این وضعیت به یک جنگ گسترده‌تر بینجامد، افزود: «آنچه در هفته‌های اخیر دیدیم این بود که اصلی‌ترین طرف‌هایی که می‌توانند اوضاع را تشدید کرده و این درگیری را به جنگ گسترده‌تری تبدیل کنند، تصمیم گرفتند این کار را نکنند که تصمیمی بسیار عاقدانه بود. معتقدم این تصمیم برقرار بماند، مگر آنکه اتفاقی غیرقابل پیش‌بینی رخ دهد یا کار اشتباهی انجام شود یا یکی از نیابتی‌ها کمی خودسرانه عمل کند. ما احتمالاً شاهد ادامه جنگ ۱۰-۱۵ روزه فعلی خود خواهیم بود، همچنین افزایش شدیدی در دیگر صحنه‌ها خواهیم داشت که پیامدهایی بر امنیت ایالات متحده در سراسر منطقه و نیز بر یک خروج سریع و فاصله گرفتن از درگیری مستقیم روزه در مشکلات منطقه خواهد داشت. بنابراین فکر می‌کنم درگیری در مناطق خاکستری به شکل چشمگیری ادامه خواهد یافت.»



ولی نصر
استاد دانشکده مطالعات خاورمیانه
در دانشگاه جانز هاپکینز

اعتبار ایالات متحده با جنگ غزه زیر سؤال رفت

ولی نصر درباره اینکه چقدر این احتمال وجود دارد که این وضعیت به یک جنگ گسترده‌تر بینجامد، گفت: «چند بین ستارو مطرح است. برآورد اولیه ایران و شاید حزب‌الله این بود که جنگ هوایی برای غزه آسیب‌زننده خواهد بود، اما اسرائیل نمی‌تواند اهداف خود را از طریق جنگ هوایی محقق کند. در نهایت اگر نخواهد حماس را از بین ببرد، باید وارد غزه شود و فرض آنها این بود که در واقعیت، آنها در نهایت به یک جنگ طولانی وارد خواهند شد و به آنچه می‌خواهند دست نخواهند یافت. بنابراین تا حدی فکر می‌کنم الان سؤال اینجاست. اسرائیل حالا مصمم است که نشان دهد آنها سنجش اشتباهی داشته‌اند. به عبارت دیگر ما تا آخرین حد ممکن پیش خواهیم رفت و حماس را نابود خواهیم کرد. فکرمی‌کنم ماشه واقعی اینجاست. کشیدن ماشه از سوی مقاومت ممکن است در صورت سلطه کامل اسرائیل بر غزه رخ دهد تا از موفقیت کامل اسرائیل جلوگیری شود، البته اگر خود فلسطینیان از پس این کار برنیایند. دوم اینکه هم‌اکنون شرایط انسانی به شکل فزاینده‌ای به یک عامل تصمیم‌گیر و تعیین‌کننده تبدیل شده است. تفاوتی میان ۱۰ هزار نفر کشته و ۳۰ هزار کشته وجود دارد. این تنها یک مسأله انسانی هم نیست. این عامل جلوگیری از تشدید هم هست، چراکه می‌تواند ما را به جهاتی هدایت کند که هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کند.»



روبین رایت
استاد برجسته در مؤسسه صلح
آمریکا و اندیشکده مرکز ویلسون

احتمال تشدید تنش در بلندمدت وجود دارد

سوم هم اینکه جنگ ممکن است یا در مجوری درست در اطراف اسرائیل تشدید شود یا کاملاً در جای دیگری. اگر ایران آشکارا ننه در حدی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته است بلکه به صورت بسیار آشکارا به تولید سوخت با غنای ۹۰ درصد برگردد یا اگر اقدامات تهاجمی علیه نفتکش‌ها یا پرسنل امریکایی‌ها در عراق انجام دهد، آن‌گاه جنگ در جایی که فکر می‌کنیم، لزوماً در امتداد مرز لبنان-اسرائیل، تشدید نمی‌شود بلکه کاملاً در جای دیگری در خاورمیانه شدت می‌گیرد. در حال حاضر در شام است و می‌تواند خلیج فارس هم به آن اضافه شود. این تشدید درخت برای دولت در جنگ غزه را ندارد، ادامه داد: «بحران عرب از لحاظ اقتصادی و چشم‌اندازهای منطقه‌ای، توسل به دیپلماسی است؛ به عنوان مثال روابط عربستان و ایران بر پایه ایده همگرایی و هماهنگی در سراسر منطقه، شناسایی اسرائیل و ساختن مسیرهای تجاری شکل گرفته است. بنابراین یک سناریوی تشدید درازمدت، عملاً این چشم‌انداز را از منطقه می‌گیرد.» این تحلیلگر غربی با بیان اینکه ایران احتمالاً تنها کشوری است که فشار داخلی برای دخالت در جنگ غزه را ندارد، ادامه داد: «بحران انسانی می‌تواند سناریوهای ناشناخته‌ای را در منطقه رقم بزند. یک نکته هم اینکه روابط ایالات متحده و ایران که برای مدت طولانی بر مسائل هسته‌ای متمرکز بوده، حالا مسائل منطقه‌ای را هم در بر گرفته است. همچنین آنها در منطقه‌ای عمل می‌کنند که از جهات بسیاری با گذشته متفاوت خواهد بود. بسیار مهم است که منطقه را با عینک گذشته نگریم. حمله فتنه اکتبر حماس و همه رخدادهای پس از آن یک بازشناسی کامل برای منطقه است. بله، تهدید ایران وجود دارد اما مسأله بسیار مهم دیگر این است که ایالات متحده اکنون هیچ اعتباری ندارد به این دلیل که نتوانست وقوع این رخداد را پیش‌بینی کند و اکنون هم قادر به کنترل رویدادها نیست.

امریکا هیچ برنامه‌ای را که حتی اسرائیلی‌ها با آن همراه باشند، ندارد و نتوانسته به عرب‌ها نشان دهد که اگر آنها امتیازاتی بدهند، ایالات متحده قادر به کنترل اسرائیل است یا می‌تواند دست‌کم بدترین ضربات اسرائیل را کنترل کند.»